

## جامعه بشریت بر سر دوراهی سوسیالیسم یا بربریت

سه شنبه دهم دی ۱۳۸۷

حسن معارفی پور

در ادامه باید اشاره کنم که نگارنده مقاله خط فکری رزا را تبلیغ نمی کند، بلکه هدف از نوشتن این مطلب تحلیلی که نگارنده از مطالعه و جمع بندی خود از تعدادی آثار مارکسیستی به دست می دهد.

### چرا سوسیالیسم یا بربریت؟

براستی آیا راه سومی وجود دارد؟ تئوریسین های بورژوا - لیبرال، راست، محافظه کار، سوسیال دمکرات و غیره به راه سومی در بین این دو انتخاب معتقدند اما آن راه سومی چیست؟ کدام آلترناتیو می تواند جامعه را از بربریت در دنیای مدرن نجات دهد؟ براستی آن آلترناتیو دنیایی جدا از دنیای سرمایه داری فعلی نیست و اگر راه سومی وجود داشته باشد زندگی در چارچوب نظام سرمایه داری حال حاضر می باشد نه فراتر از آن. بر همگان روشن است و همانطور که خود جهانیان به چشم خود دیدند ویا شنیده و خوانده اند، نمی توان راه چاره دیگری غیر از سوسیالیسم سراغ داشت که جامعه را از بربریتی که به آن گرفتار می آید نجات داد. تجربه انواع مختلف دولت های بورژوایی خود ضامن صحت این ادعاست زیرا هیچکدام از دولت ها از دولت رفاه گرفته تا رژیم های راست بورژوا- لیبرال و غیره نتوانستند از دچار شدن جامعه به بحران های مختلف همچون بحران ساختاری، مشروعیت، سیاسی و غیره جلوگیری به عمل آورند. برای نمونه سیستم های دولت رفاه که بر گرفته از نظریات کینز اقتصاددان انگلیسی بود تنها به عنوان یک نوشدارو در یک مقطع تاریخی برای جلوگیری از گسترش بحرانی که در نتیجه سیاست های ناکار آمد نظام های د لیبرال- مکررات به وجود آمده بود و در واقع با هدف پیشگیری از رشد مبارزات طبقه کارگر که می توانست تهدید بزرگی برای سرنگونی سرمایه داری در کشورهای غربی باشد به خورد مردم داده شد. اگر چه دولت رفاه توانست در یک مقطع زمانی از مشکلات اجتماعی جامعه تا حدودی بکاهد اما به دلیل آنکه این دولت به شیوه ریشه ای نتوانسته بود نظام سرمایه داری را ریشه کن کند و یک سیستم اجتماعی جدیدی را به جایگزین آن کند و هم چنین دیدگاه سازشکارانه در نظریات سردمداران این نوع حکومت نسبت به نظام سرمایه داری باعث شد که این سیستم خود با بحران روبرو شود و بعد از گذشت یکی دو دهه از حیات خود دستاوردهای طبقه کارگر در نتیجه مبارزاتش را باز پس گیرد. به این ترتیب لازم به ذکر است که با توجه به تحلیل فوق راه سومی در بین دو گزینه سوسیالیسم یا بربریت وجود نداشته و تناقضات نظام سرمایه داری به ناچار به یکی از این دو خواهد انجامید.

### خصوصیات جامعه سرمایه داری

سیستم اقتصادی و اجتماعی سرمایه داری نه به مثابه پایان تاریخ بلکه به مثابه یک مرحله گذار از زندگی بشر نگریده می شود که از مختصات ذیل برخوردار است:

۱. اولین تضاد جامعه سرمایه داری تضادی است که ضرورت اجتناب ناپذیر پیروی کارگران از نظام سرمایه داری را موجب میگردد و درمقابل آرمانهای و آلترناتیو های کارگران که با نفس نظام سرمایه داری در تناقض است را پیش

روی آنان قرار می‌دهد. نمونه مبارزات کارگران و تحمیل رفرم به بورژوازی در نتیجه این مبارزات در گذشته و حال.  
۲. تضاد پایدار سرمایه داری، تضادی است که بر پایه اختلافات فزاینده بین مناطق ثروتمند نشین و فقیرنشین وجود دارد. این تضاد ناشی از ماهیت نظام سرمایه داری بوده و ربطی به مکان خاصی ندارد.

۳. تضاد بین تولید و مصرف

۴. تضاد میان بیرون کشیدن کار اضافی (استثمار) از طریق کنترل اقتصادی و استثمار از طریق کنترل سیاسی.

مراحل مختلف امپریالیسم در نظام سرمایه داری

در هر مرحله امپریالیسم به اشکال مختلفی به توسعه طلبی در مناطق مختلف جهان دست زده است. دوره اول امپریالیسم، کشور گشایی امپریالیسم است، در این دوره کشورهای استعمارگر از طریق دست اندازی به کشورهای مستعمره و غصب مواد خام و زیر زمینی این کشورها از راه حمله نظامی و نفوذ در این کشورها توانستند بسیاری از کشورهای جهان را تا حد نابودی عقب بنشانند.

دوره بعدی، مرحله دوم امپریالیسم، کشاکش آشتی ناپذیر میان قدرتهای اصلی جهان به نیابت از شبه انحصارات خود برای تقسیم مجدد جهان، (لنین، امپریالیسم آخرین مرحله سرمایه داری) پنج انحصار بزرگ (کنترل تکنولوژی، سیستم مالی، دسترسی به منابع طبیعی و رسانه های جمعی، سلاحهای ویرانگر) سلسله مراتب جدید سرمایه داری را نشان می‌دهد.

دوره سوم امپریالیسم در این دوره امپریالیسم آمریکا در رأس امپریالیسم جهانی قرار دارد و توانسته است رقبای امپریالیست قبلی و قدیمی خود چون پرتغال، اسپانیا، انگلیس و فرانسه را به کنار نهد. شروع این دوره را با استعمار نو نام گذاری کرده اند که بعد از جنگ دوم جهانی آغاز شد. برتری امپریالیسم آمریکا در این دوره دلایلی زیادی دارد که مهمترین دلیل آن ضربه خوردن سایر رقبای امپریالیسم در جریان جنگ دوم و کمتر ضربه خوردن آمریکا به دلیل دور بودن این کشور از شرایط جنگی و عدم دسترسی به آن، اما با آغاز بحران ساختاری نظام سرمایه داری سیاست درهای باز تغییر کرده و شیوه دیگری از کشور گشایی جایگزین استعمار نو شد و جهانی شدن به شکست مواجه شد. امپریالیسم در چند سال گذشته که خطرناکترین مرحله خود را پشت سر می گذارد، سلطه جهانی خود را از طریق سیاست درهای باز آمریکا کنار گذاشته شده و سیاست بازگشت به دوره اول امپریالیسم که جهان گشایی از طریق حمله خارجی و تثبیت قدرت از طریق مانور نظامی و... را در پیش گرفته شده است. مزاروش این دوره را مرگبارترین مرحله امپریالیسم نام گذاری می کند.

دوره فعلی به دلیل سیاستهای جنگ طلبانه امپریالیسم و در راس آن آمریکا، از طریق حمله به مناطق مختلف جهان همچون افغانستان و عراق سیاست های خود را پیش برده است. سیاست های امپریالیسم آمریکا برای حفظ سیطره خود بر جهان ممکن است جنگی عظیم در سطح جهان را در پی داشته باشد که امکان نابودی بشریت در این جنگ زیاد است.

در این دوره امپریالیسم از یک طرف با شعارهای پوچ و بی مایه از جهان چند قطبی سخن میگوید و در شرایط فعلی تحت لوای روابط برابر میان دولتها، پلورالیسم و غیره به تبلیغ میپردازد و از طرف دیگر با اتکا به ابزار نظامی و زیر پا گذاشتن توافقنامه های بین المللی از سوی امپریالیسم بیش از هر زمانی پوچی شعارهایی چون

دمکراسی خواهی، پلورالیسم و غیره زیر سوال می رود.

دوره ای که امپریالیسم تحت عنوان دمکراسی خواهی و دفاع از منافع ملی مرز کشورها را درنور دیده و به تغیر دنیا می پردازد و منابع ملی سایر کشورها را تحت عنوان قومپرستی و ناسیونالیسم قلمداد می کند، در واقع مرگبارترین مرحله امپریالیسم می باشد، زیرا منطق سرمایه حکم می کند که برای بالا بردن سود به هر ابزاری دست برد حتی اگر نامشروع بوده و نابودی شمار زیادی از انسان را در پی داشته باشد. جنگ خونین عراق و افغانستان نمونه ای است که بیش از دو میلیون انسان در این جنگها کشته شدند.

### **بحران ساختاری نظام سرمایه داری**

همانطور که اشاره شد سرمایه داری مراحل مختلفی از حیات خود را پشت سر گذاشته است. مرحله پیروزی بورژوازی در مقابل ارتجاع فئودالیت، مرحله گسترش بورژوازی در مناطق مختلف اروپا و بعد از آن دنیا، مرحله استعمار، مراحل مختلف امپریالیسم و آخرین مرحله بحران ساختاری نظام سرمایه داری قرار داریم که از ۱۹۷۰ تاکنون آغاز شده و هرروزه بر شدت آن افزوده میشود. در دوره های مختلف سرمایه داری به اشکال مختلف و با دولت های مختلف ظاهر شده است که از دولتهای دمکراتیک تا ارتجاعی ترین دولتهای راست همچون فاشیسم را دربرمی گیرد.

بسیاری از جهانیان بر این اعتقاد بودند که سقوط شوروی پایان سوسیالیسم و کمونیسم و فروپاشی آن را با نابودی کمونیسم و غیره قلمداد می کردند، برای نمونه در دوره فروپاشی جامعه شوروی و بعد از آن نظریه پردازان بورژوا- لیبرال به بحث و گفتگو در مورد نظام شوروی پرداخته و کتابهای متعددی در زمینه پایان تاریخ و اینکه سرمایه داری آخرین مرحله از حیات بشری است نوشته شد. نمونه برجسته این موارد فرانسیس فوکویاما نظریه پرداز هگل گرای مزدور امپریالیسم بود که در نهایت حماقت و نادانی بعد از فروپاشی شوروی و سقوط دیوار برلین نوشت "اکنون بشریت به پایان تحول ایدئولوژیکش رسیده است" "دمکراسی لیبرال غربی شکل نهایی حکومت انسانها است" همان چیزی که در دوره حکومت پروس توسط هگل اعلام شد و فوکویاما نوشت "تضادی وجود نتواند در چهارچوب لیبرالیسم مدرن حل شود، با گذشت یکی دو دهه از این سخنان بشریت پوچ بودن چنین سخنانی که بیشتر در خدمت به یک نظام ضد انسانی بود را دریافت و با قدرت گیری دوباره مبارزات کارگری پوچ بودن چنین تزهایی آشکار شد.

بحران ساختاری در سال ۱۹۷۰ آغاز شد که تغییرات مهمی در موضع گیری امپریالیسم به وجود آورده است. در این دوره لفاظی در مورد آرایش حقیقی و نظم نوین جهانی جدا از وعده توخالی چیزی بیش نبود.

همزمان با سقوط شوروی در نتیجه بحران ساختاری نظام سرمایه داری، شوروی به عنوان شکلی از این نوع جامعه سرمایه داری انسان آگاه به تناقضات جامعه سرمایه داری با هر اسم و رسمی پی برد به همین دلیل سقوط شوروی از نظر ما نه تنها عقب نشینی سوسیالیسم نیست، بلکه نشان از تضاد و بحران نظام سرمایه داری است. بحران ساختاری نظام سرمایه داری که با بحران در نظامهای دولت رفاه آغاز شده، اکنون در دوره نئولیبرالیسم و اقتصاد بازار آزاد به اوج خود رسیده است. بحران ساختاری نظام سرمایه داری به دلیل عدم توانایی این نظام در پاسخگویی به نیازهای بشر در تمام دوران حیات آن بخصوص دوره جهانی شدن و اقتصاد بازار آزاد می باشد.

بازپس گیری امتیازات کسب شده به وسیله طبقه کارگر که کسب آن در نتیجه مبارزات طبقه کارگر بود نه از روی ترحم حامیان نظام سرمایه داری بلکه در نتیجه وارد شدن نظام سرمایه داری به بحران ساختاری بود. امروزه کسی

نمی تواند بحران سیاست را انکار کند، اما خود این بحران نمایانگر بحران دیگری است و آن بحران مشروعیت نظام سرمایه داری و دولتهای حامی آن است. نمونه برجسته ای از بحران ساختاری نظام سرمایه داری، بحران مالی گسترده ای است که سیستم بانکی جهان را فراگرفته، این بحران مرزهای سرمایه دولتی و تقدس بازار آزاد را در هم شکسته و دولتها علیرغم داعیه شان در دفاع از بازار آزاد، آنان را به تلاش و تکاپو برای نجات سیستم سرمایه داری بحران زده واداشته است. دولت آمریکا به عنوان سردمدار این بحران تصمیم دارد مبلغ ۷۰۰ میلیارد دلار برای نجات سیستم بانکی اختصاص دهد. این دخالت دوباره دولتهای لیبرال در اقتصاد نشان از شکست نئولیبرالیسم در سطح جهانی چه در عرصه نظری و چه در عرصه عمل است.

بنا بر این با توجه به مباحثی که مطرح شد تنها آلترناتیو که بتواند جامعه را از نابودی، جنگ، ویرانی، فقر، تخریب محیط زیست، به خاطر منافع سرمایه داری و در یک کلام بربریت نجات دهد، یک جنبش سراسری سوسیالیستی است که انسانها را به برابری واقعی و اصیل می رساند، نه برابری صوری و ظاهری، جنبش که خواهان جامعه کمونیستی یعنی جامعه ای که از هر کس به اندازه توانش کار خواسته می شود و به هر کس به اندازه نیازش از امکانات جامعه تعلق خواهد گرفت، جامعه ای که جای رقابت برای کسب سود بیشتر را همبستگی بین انسان ها خواهد گرفت، جامعه ای که در آن فلسفه باز خواهد ایستاد و دیالکتیک و تضاد رنگ می بازد، جامعه ای که در آن جنسیت انسان و ساختار بدن او سرنوشت او را تعیین نمی کند، جامعه ای که رنگ و نژاد و قومیت و مذهب رنگ می بازند و تنها ملاکی که می تواند وجود داشته باشد انسانیت است. جامعه ای که در آن تربیت اجتماعی کودکان جای تربیت کاذب خانوادگی را خواهد گرفت و همگان در تربیت نسلهای بعد شریک خواهند بود. سخن گفتن از این جامعه نه استقرار بهشت روی زمین بلکه خلق دنیایی که شایسته انسانها باشد و تحقق آن تنها به دست انسان می باشد. به همین سبب است که امروز پرچم یا سوسیالیسم یا بربریت به مطالبه اصلی بسیاری از توده های کارگر و زحمتکش و انسانهای چپ و کمونیست در اقصی نقاط جهان تبدیل شده است.

## حسن معارفی پور

### چهارشنبه چهارم دی ۱۳۸۷

تریبون جوانان مارکسیست - توسط جوانان مارکسیست

#### منابع:

- ۱- یا سوسیالیسم یا بربریت. استیوان مزاروش، ترجمه مرتضی محیط
  - ۲- جامعه شناسی سیاسی. حسین بشریه
  - ۳- پرولتاریا و تشکیلات کورنیلوس کاستوریا اس، ترجمه امین قضایی
  - ۴- مانیفست کمونیست. مارکس و انگلس
  - ۵- نشریه دانشجویی بذر. شماره تیتیر ۸۶ ویژه جی ۸
  - ۶- امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری. مجموعه آثار لنین، ترجمه محمد پور هرمرزان
  - ۷- نشریه طلوع. دانشگاه تهران
- چهارشنبه چهارم دی ۱۳۸۷ توسط جوانان مارکسیست